

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتبار قطع حاصل از مقدمات عقلیه

بعد از تمام شدن بحث قطاع، این بحث عنوان می شود که آیا قطع حاصل از مقدمات عقلیه اعتبار دارد؟ به عبارت دیگر، آیا فقط قطع حاصل از کتاب و سنت معتبر است یا این که مطلقاً اعتبار دارد؟ این بحث، همان نزاع معروف بین اصولیین و اخباریین است که طبق بیان مرحوم شیخ در کتاب **رسائل**، به اخباری ها نسبت داده شده است که آنها قائل هستند قطع حاصل از مقدمات عقلیه اعتبار و حجیت ندارد؛ و فقط قطع حاصل از کتاب و سنت، اعتبار دارد. این نزاع بعداً دامنه اش وسیع تر شده و اساساً این بحث مطرح شده است که آیا اصلاً دلیل عقلیه اعتبار دارد؟ آیا ما می توانیم در احکام شرعیه به دلیل عقلی استدلال کنیم؟ و در اینجا، به مناسبت بحث دلیل عقلی، بحث حسن و قبح عقلی مطرح می شود که خود این مسأله نیز يك نزاع معروف دیگری بین اشاعره و غیر اشاعره است؛ اشاعره قائل اند عقل، حسن و قبح اشیا را درك نمی کند، و بلکه **الحسن ما حسنه الشارع و القبح ما قبحه الشارع**؛ و در مقابل اشاعره، معتزله و امامیه قائل اند عقل، حسن و قبح اشیا را درك می کند.

اما این نزاع - یعنی نزاع در حسن و قبح عقلی - با نزاع در باب قطع، فرق می کند؛ در مانحن فیه، نزاع در این است اگر قطعی از مقدمات عقلی بدست آید، آیا حجیت دارد؟ اما در باب حسن و قبح عقلی، نزاع در این است که آیا عقل حسن و قبح اشیا را درك می کند یا نه؟ هر چند عرض کردم که نزاع در اینجا به دنبالش این سؤال می آید که آیا عقل به عنوان يك حجت و دلیل، می تواند در احکام برای فقیه مطرح باشد؟ این نزاع هم مطرح است. کما این که در همین بحث - بحث دلیل عقلی - بحث سومی به نام قاعده ملازمه نیز وجود دارد، که آیا بین حکم شرع و حکم عقل ملازمه وجود دارد یا خیر؟ اگر عقل گفت بین وجوب يك شیء و وجوب مقدمه ملازمه وجود دارد، آیا ما از این راه می توانیم حکم شرعی را استفاده کنیم؟

کلام مرحوم آخوند

در مورد نزاع اول، مرحوم شیخ انصاری **اعلی الله مقامه الشریف**، در کتاب **رسائل** مفصل بحث کرده اند؛ مرحوم آخوند در کتاب **کفایه** می فرماید: اخباری ها در کبرای مسأله مناقشه ندارند و قطع حاصل از مقدمات عقلیه را معتبر می دانند. اما در صغرا نزاع دارند؛ ایشان به دو کلام از اخباری ها - یکی به کلام امین استرآبادی (محدث استرآبادی) و دوم به کلام سید صدر - استدلال می کنند.

مرحوم آخوند می فرماید: بحث در این است که آیا عقل چنین ملازمه ای را بین حکم خودش و حکم شرعی می فهمد یا نمی فهمد؟

مرحوم آخوند کلام اول که در منع ملازمه است را از سید صدر نقل می‌کند و می‌گوید اخباری‌ها ملازمه را اصلاً قبول ندارند؛ و کلام دوم را از مرحوم استرآبادی نقل کرده است که می‌گوید ایشان معتقد است مقدمات عقلیه منتهی به قطع نمی‌شود؛ نه این‌که قطع حاصل شود و بگوید این قطع حجیت ندارد. بلکه معتقد هستند که هیچ نتیجه‌ای غیر از ظن بر مقدمات عقلیه مترتب نمی‌شود؛ قطع از آن حاصل نمی‌شود. لذا مرحوم آخوند در کفایه می‌فرماید: اصلاً اخباری‌ها با اصولی‌ها در کبرای مسأله نزاع ندارند و نمی‌گویند قطع حاصل از مقدمات عقلیه حجیت ندارد؛ بلکه نزاعشان در صغرا است و می‌گویند مقدمات عقلیه برای ما افاده قطع نمی‌کند، بلکه فقط افاده ظن و گمان دارد.

مناقشه در کلام مرحوم آخوند

ما وقتی به مباحث مرحوم شیخ انصاری در **رسائل** مراجعه می‌کنیم، به خوبی متوجه می‌شویم که این فرمایش مرحوم آخوند فرمایش درستی نیست. کلمات اخباری‌ها مملوّ از این مطلب است که دلیل عقلی قطعی برای ما اعتبار ندارد؛ در تعارض بین دلیل عقلی قطعی و دلیل نقلی، دلیل نقلی هرچند که ظنی هم باشد، مقدّم است. پس، معلوم می‌شود که برای دلیل عقلی قطعی اعتباری را قائل نیستند. ما وقتی مطالب مرحوم شیخ در **رسائل** را ببینیم، به خوبی روشن می‌شود که فرمایش مرحوم آخوند در کتاب **کفایه** لا مجال له. اما برای اینکه یادآوری شده باشد، اجمالی از مطالب مرحوم شیخ در **رسائل** را عنوان می‌کنیم که ایشان بحث را به چه صورتی مطرح کرده‌اند.

بیان مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ در کتاب **رسائل** بعد از آن که حجیت قطع را اثبات کرده و آن را به عنوان يك امر روشنی تلقی می‌کنند، می‌فرماید: فرقی نمی‌کند که این قطع از دلیل نقلی حاصل شود یا از دلیل عقلی. و **ینسب الی غیر واحد من اصحابنا الاخباریین** این که ایشان کلمه «اصحابنا» را ذکر می‌کند، نکته‌ای در آن است که اگر کسی اخباری شد، اینطور نیست که از طایفه فقهای شیعه خارج باشد، **عدم الاعتماد علی القطع الحاصل من المقدمات العقلية القطعية الغير الضرورية** اگر قطعی از مقدمات عقلی قطعی غیر ضروری - مطالب عقلی که نیاز به استدلال دارد، ضروری نیست - حاصل شود، حجیت ندارد.

در ادامه می‌فرماید که عمده اخباری‌ها دو مطلب را در مورد دلیل عقلی دارند: **يك مطلب** این است که در ادله عقلیه کثرة الخطاء فراوان است؛ حکما و فلاسفه بر مدّعایی به دلیل عقلی استدلال می‌کنند و بعد از ده‌ها سال معلوم می‌شود که این استدلال، استدلال باطلی بوده است. بنابراین، از آنجا که در ادله عقلیه، کثرة الخطاء فراوان است، این سبب می‌شود که ما بگوییم در باب احکام شرعیه، نمی‌توان سراغ ادله عقلیه رفت.

مطلب دوم این است که اخباری‌ها می‌گویند: ما روایاتی داریم که دلالت دارند هر حکم و علمی که از طریق اهل بیت (ع) اخذ نشود، باطل است. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «**کل ما لم یخرج من هذا البيت فهو باطل**» که مرحوم شیخ از این مطلب، تعبیر می‌کند به این که اخباری‌ها قائل به توثیق حجت هستند؛ می‌گویند: احکام شرعیه‌ای که به واسطه حجت - یعنی سنت و معصوم (ع) - بدست ما رسیده باشد، اعتبار دارد. مرحوم شیخ، در ادامه، دو احتمال در کلام اخباری‌ها می‌دهد: **يك احتمال** این است که اینها می‌گویند: اگر قطع از غیر کتاب و سنت حاصل شود، اعتباری ندارد؛ و دوم اینکه اخباری‌ها خوض

در مطالب عقلی را به دلیل لغزش‌های فراوانی که در مقدمات عقلیه و در استدلالات عقلی است، ممنوع می‌کنند. بعد از این مطلب، کلام مرحوم محدث استرآبادی را نقل می‌کند. محدث استرآبادی يك کتابی دارد به نام **الفوائد المکیة** و يك کتاب دیگر دارد به نام **الفوائد المدنیة** که آن را در مدینه منوره نوشته است □ در **الفوائد المدنیة** که شاید مهمترین منبع برای این بحث و نزاع بین اخباری و اصولی‌ها باشد، مرحوم استرآبادی نه دلیل بر عدم اعتبار قطعی که از راه عقل حاصل می‌شود، اقامه کرده است؛ اما مرحوم شیخ دلیل نهم که مهمترین دلیل است، را ذکر کرده است.

دلیل مرحوم استرآبادی بر عدم اعتبار قطع حاصل از مقدمات عقلیه

مرحوم استرآبادی علوم را دو دسته کرده است: علوم آلی و علوم استقلال. علوم آلی علومى هستند که خودشان مقصود بالذات نیستند؛ مثل صرف و نحو که کمک می‌کنند کلام انسان از خطاي در تعابیر مصون بماند؛ منطق نیز از علوم آلی است؛ برای این است که صورت استدلال انسان مصون از خطا باشد. در مقابل، علوم استقلال، علوم مقصود بالذات هستند. ایشان به دنبال این مطلب، گفته‌اند: ما يك حکمت نظری داریم و يك حکمت عملی. حکمت نظری را به حکمت نظری قریب به حس و حکمت نظری بعید از حس. گفته‌اند حکمت نظری همان ادراکات عقلیه در مورد واقع اشیاء است. حکمت عملی ادراکات عقلیه در موردی است که باید بدان عمل شود. از حکمت نظری گاه تعبیر می‌کنند به ادراکاتی که متعلقش ینبغی أن يعلم است؛ و حکمت عملی ادراکاتی است که متعلقش ینبغی أن يعمل است. مرحوم استرآبادی در حکمت نظری گفته که عبارت است از ادراکات عقلیه‌ی دارای مقدمات قریب به حس؛ چون این از اشتباه به دور است، ما در اینجا می‌پذیریم. در نتیجه، در آن ادراکات عقلیه که اصلاً مقدمات حسیه ندارد و یا دارای مقدمات حسیه‌ی بعیده است، مرحوم استرآبادی فرموده که ادراکات نظری عقلی و عقل نظری اعتباری ندارد.

کلام مرحوم جزائری

مرحوم شیخ بعد از نقل کلام استرآبادی، کلامی را از مرحوم سید نعمت الله جزائری - (که شرحی بر تهذیب الاحکام مرحوم شیخ دارد و شاید تا کنون هم چاپ نشده باشد) - نقل کرده است. مرحوم استرآبادی علوم را به آلی و استقلال، حکمت عملی و نظری، نظری حسّی و غیر حسّی تقسیم کردند؛ اما مرحوم جزائری مسأله را بر روی این برده‌اند که احکام عقلی دو نوع است: احکام عقلی بدیهی مثل **الکل اعظم من الجزء**، یا استحاله اجتماع نقیضین و ضدّین؛ و احکام عقلیه‌ی غیر بدیهیه؛ سپس گفته‌اند که اگر يك دلیل عقلی غیر بدیهی با دلیل نقلی تعارض کرد، دلیل نقلی مقدم است؛ هرچند که دلیل نقلی، ظنی باشد و دلیل عقلی، قطعی. این بیان یکی از جاهای رد بر مرحوم آخوند است که اگر شما می‌فرمایید نزاع بین اخباری و اصولی در کبرا نیست و در صغرا است، این کلام مرحوم جزائری را چه کنیم؟ ایشان می‌گویند اگر از دلیل عقلی غیر بدیهی قطع هم حاصل شود و از دلیل نقلی، ظن حاصل شود، باز دلیل نقلی ظنی مقدم است.

بیان مرحوم محدث بحرانی

مرحوم شیخ بعد از نقل کلام مرحوم جزائری، کلام مرحوم محدث بحرانی از کتاب **الحقائق الناضرة** را نقل کرده است. مرحوم بحرانی در مقدمه این کتاب، کلام مرحوم جزائری را نقل و مورد قبول قرار می‌دهد؛ لکن ایشان باز می‌گویند حکم عقلی یا فطری

است یا غیرفطری، و اقسامی را ذکر می‌کند؛ ایشان موارد تعارض را ذکر و بیان می‌کند که در این موارد چه باید کرد. ایشان فرموده است: یک حکم عقلی فطری بدیهی داریم و یک حکم عقلی فطری نظری داریم؛ فطری بدیهی مثل **الکل اعظم من الجزء** ، فطری غیر بدیهی (نظری) که احتیاج به برهان دارد، مثل قبح تکلیف بما لا یطاق؛ و فرموده اگر دو حکم عقلی نظری با یکدیگر تعارض کنند، در صورتی که یکی از این دو مؤید به نقل باشند، آن حکم عقلی که دلیل نقلی مؤید آن است، مقدم می‌شود. همچنین در صورتی که حکم عقل نظری با یک دلیل نقلی تعارض کند، اگر یک دلیل نقلی دیگر مؤید دلیل عقلی باشد، دلیل عقلی مقدم است؛ اما اگر هیچ مؤیدی نباشد، اینجا دلیل نقلی بر دلیل عقلی مقدم است. اینجا همه نزاع در کبرای مسأله است.

ادامه کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ بعد از نقل کلام استرآبادی، جزایری و بحرانی **رحمهم الله** و ذکر اشکالاتشان بر آنها، در انتها دو مطلب مهم دیگر را مورد بحث قرار می‌دهند. **یک مطلب** که با «فإن قلت» ذکر کرده‌اند؛ و آن این که می‌گویند: شاید نظر اخباری‌ها به این روایات باشد که می‌فرماید: **حرام علیکم أن تقولوا بشيء ما لم تسمعه منّا** ؛ در روایات داریم که اگر یک حکم و حرفی به عنوان دین و فقه بزنید و از ما نشنیده باشید، حرام است. یا آن روایت معروف که **لو أن رجلاً قام ليلة وصام نهاره وحجّ دهره و تصدّق بجميع ماله و لم يعرف ولاية ولی الله فیکون أعماله بدالته فیوالی ما کان له علی الله ثواب**.

اگر نماز و روزه و حج و صدقه باشد، اما ولایت ولی الله نباشد، خدا هیچ ثوابی بر اینها مترتب نمی‌کند. مرحوم شیخ می‌فرماید: شاید اخباری‌ها عمدتاً به این روایات می‌خواهند استدلال کنند و نه مسأله کثرة الخطاء در مقدمات عقلیه؛ چون در مقدمات شرعیه نیز کثرت خطا وجود دارد. عمده در مدعای آنها این روایات است که از آنها تعبیر می‌کنند به توثیق در حجت؛ بدین معنا که هرچه که بیان می‌شود باید از طریق اهل بیت باشد. معنا و مفهومش این است که اگر از راه مقدمات عقلیه، حکمی را استفاده کردید، فایده‌ای ندارد. البته مرحوم شیخ از این روایات، دو جواب می‌دهند که إنشاءالله آنها را بعداً عرض می‌کنیم.

اما **مطلب دوم** ، فرموده‌اند: انصاف این است که اگر ما بخواهیم از راه دلیل عقلی پی به ملاکات احکام ببریم، عقل راه به ملاکات ندارد. عقل نمی‌تواند ملاکات احکام را درست تشخیص بدهد؛ مقصود و قدر متیقن از روایاتی هم‌چون **إن دین الله لا یصاب بالعقول و لا شيء أبعد عن دین الله من عقول الناس** همین است که از راه عقل، ملاکات احکام را نمی‌توانیم بفهمیم. ایشان می‌فرماید: اگر مقصود اخباری‌ها از عدم اعتبار عقل این باشد که از راه عقل نمی‌توان به ملاکات احکام رسید، ما نیز قبول داریم. تا اینجا ما اشاره داشتیم به نزاع بین اخباری‌ها و اصولی‌ها در حجیت قطع حاصل از عقل. و عرض کردیم نزاع‌های دیگری نیز مثل نزاع در حسن و قبح عقلی وجود دارد که بعضی از بزرگان در کتاب‌های اصول خود آنها را نیز به عنوان الدلیل العقلی ذکر کرده‌اند که مانعی هم ندارند؛ باید به همه‌ی این ابعاد پرداخته شود؛ اما فعلاً نزاع بین اخباری و اصولی در همان مطلبی است که عرض کردیم.